

شکایت رسمی ایران از آمریکا

امیرفیض- حقوقدان

بنا بر اخبار تازه، شیخ حسن از شکایت رسمی ایران از آمریکا به خاطر حکم دادگاه تامین ۲ میلیارد دلار از دارائی های بلوکه ایران خبرداد. هرچند از خبر بسته مزبور نمیتوان به ماهیت دعوای جمهوری اسلامی پی برد ولی همینقدر پیداست که مرجع دادخواهی جمهوری اسلامی دیوان دادگستری بین المللی لاهه است و اظهارات ظریف و عراقچی و سایر اظهارنظرها اینطور فهمیده میشود که پایگاه اصلی دفاع جمهوری اسلامی بر دو پایه مستقر است یکی قرارداد مودت بین ایران و آمریکا بسال ۱۹۵۵ = ۱۳۳۳ و دیگری حق حاکمیت ملت ها و عدم صلاحیت محاکم کشورهای علیه کشورها.

بنابراین تحریر حاضر متمایل است به مستندات دعوای جمهوری اسلامی که عرض شد و احتمالا مواردی که بعدها آشکار شود که از اسباب ادله دعوای جمهوری اسلامی خواهد شد نگاهی بکند.

اظهارات بی بند و بار

در اظهارات شیخ حسن که بمناسبت خبر طرح دعوای علیه آمریکا منتشر شده مطالبی آمده که هر یک احتمالا دلیلی در جهت محکومیت جمهوری اسلامی در دعوای مطروحه است.

نحست این توجه بجاست که در محاکمات اعم از حقوقی و یا جزائی کوچکترین کلام و اظهار و یا عمل حتی نمایشی، موثر در حرکت دعوای و سندی است که میتواند مورد استفاده و استناد طرف قرار گیرد و اگر بخواهیم که با تشبیهی مسئله روبرو شود همانند آن است که در جبهه جنگ حرکتی انجام شود و یا صدائی از ناحیه طرف شنیده شود که انسان را مترصد به موقعیت طرف کند و از همان صدا و حرکت کار طرف را بسازد.

با این مقدمه میتوان گفت که جمهوری اسلامی چه در رابطه با برجام و چه همین مسئله دست اندازی آمریکا روی دارائی های بلوکه شده ایران، توجهی به حساسیت موضوع ندارد و اظهاراتی حتی از سوی مسئولین جمهوری اسلامی میشود و رسانه ای هم میگردد که چه در مجموع و چه در حالت دادگاهی از اسباب محکومیت و بی حقی جمهوری اسلامی میگردد؛ اجازه فرمائید با یکی دو نمونه دم دست، بیشتر با موضوع آشنا شویم.

نمونه اول

*** اظهارات مدام مسئولین جمهوری اسلامی حتی وزیر خارجه آقای ظریف به وجود حالت دشمنی و جنگ با آمریکا است و اصرار در اصرار هم هست که توفقی در اعلام این حالت جنگی روی ندهد و تا آنجا این مسئله صورت جدی یافته است که در گزارش سه ماهه هیئت رسیدگی به برجام هم به مجلس منعکس شده است که برجام مانع حالت جنگی بین جمهوری اسلامی و آمریکا نشده است.

با این وجود، یعنی حالت جنگ و دشمنی، جمهوری اسلامی انتظار دارد و ظریف هم آنرا تکرار کرده که آمریکا با حسن نیت و مساعدت موانع سرراه همکاری بانکهای اروپائی را از میان بردارد و ظاهراً آنطور که سید علی و ظریف گفته اند آمریکا همکاری نمیکند و نکرده است.

با اعلام حالت دشمنی و جنگ بین آمریکا و جمهوری اسلامی، هم درخواست جمهوری اسلامی از آمریکا مبنی بر نشان دادن حسن نیت و همکاری در اجرای برجام و یا ایجاد تسهیلات بانکی ناموجه است و هم بی اعتنائی آمریکا به درخواست جمهوری اسلامی موجه است؛ زیرا به عبارت خودمانی در جنگ و دعوا نان و حلوا تقسیم نمیکنند.

حالت جنگ آنهم هنگامیکه رسماً اعلام شود، سبب ایجاد یک حالت احتیاط و ترس میگردد که انسان بقول معروف از سایه خودش هم میترسد و سعی میکند برگرفتاری های طرف مخاصمه بیفزاید نه اینکه به سهولت کارهایش کمک کند و چنین کمک و همراهی نوعی خیانت به خودی و خدمت به دشمن است که جمهوری اسلامی در کمال نادانی مرتباً آنرا آبیاری و در اختیار دشمن قرار میدهد و داده است. و با آنکه می بینیم که عملاً آمریکائی ها به توقعات ایرانیها اعتنائی ندارند و ظریف را سر میدوانند معزاً دولت وقت آمریکا به سازشکاری با جمهوری اسلامی متهم شده است زیرا در حالت اعلام جنگ و خصومت بین دو کشور احساسات عمومی علیه کشور طرف مخاصمه بسیار حساس است که حاضر به کوتاه آمدن و یا کمک به مشکلات آن کشور نیست و هر که خلاف آن عمل کند در مسیر اتهام یاری دادن به دشمن قرار میگیرد.

نمونه دوم

****** جمهوری اسلامی خاصه سران و مسئولین آن مرتباً رای دیوان عالی آمریکا را به دزدی اموال ایران تعبیر میکنند و خیلی هم به این استناد و استدلال میبایند. اگر دولت آمریکا پاسخگویی به دادخواهی جمعری اسلامی را در دیوان دادگستری بین المللی منوط به عذرخواهی دولت ملایان از اتهام دزدی به آمریکا و رای دیوان عالی کشورش بنماید و یا قبل از ورود به دعوا خواهان اثبات ادعای دزدی آمریکا بشود کار جمهوری اسلامی ساخته است.

اهمیت و حساسیت این موضوع در آن است که اگر آمریکا بدون توجه به اتهام دزدی که جمهوری اسلامی متوجه آمریکا کرده است وارد دعوا شود مفهومش قبول اتهام دزدی و بی پایه بودن رای دیوان عالی آمریکا است.

واما بعد

دراظهارات شیخ حسن بمناسبت اعلام طرح شکایت علیه آمریکا آمده است:

****** >معلوم نیست که آمریکائی ها در لبنان چه میکرده اند و این موضوع چه ارتباطی بما دارد.<

عبارت مزبور قرینه ای است برای فرار جمهوری اسلامی از موضوع، زیرا اگر برای جمهوری اسلامی معلوم نیست که آمریکائی ها در لبنان چه میکرده اند چطور جمهوری اسلامی مدعی شده که موضوع

ارتباطی به آن ندارد چراکه موضوعی راکه انسان به ماهیت آن آگاه نیست نمیتواند عدم ارتباط آنرا به خودش و یا دیگران اعلام کند.

دیگر اینکه چگونه ممکن است دولت جمهوری اسلامی نداند که آمریکائی ها در لبنان چه میکرده اند از آن فاجعه همه مردم جهان آگاهند و بقول معروف کسی که نمیداند خواجه حافظ شیرازی است ولی هنوز دولت شیخ حسن خبرنگار دارد که آمریکائی ها در لبنان چه میکرده اند؟ اساسا مسئله لبنان ارتباطی به نوع کاری که آمریکائی ها در لبنان میکردند ندارد بلکه ارتباط به اقدامات تروریستی و کشتار آمریکائی های در خوابگاه سربازان آمریکائی است؛ آیا دولت شیخ حسن هم از این جریان عالمگیر بی خبر است؟

این اظهارات بازاری ناپخته وقتی مورد استناد وکلای طرف قرارگیرد و همراه با شاخ و برگ و سوابق جمهوری اسلامی در اقدامات تروریستی در دادگاه مطرح شود قرینه ای است برای اثبات روحیه و قصد جمهوری اسلامی از فرار از محاکمه.

و آنگهی حکم دادگاه متوجه دخالت حزب الله در عملیات انفجار است و محکومیت جمهوری اسلامی بعنوان معاونت و کمک به اقدامات حزب الله است و اظهارات بی دروپی که جمهوری اسلامی چه ارتباطی به اتهام معاونت در جرم که مجرم اصلی آن حزب الله است دارد؟

*** * بخش دیگری از اظهارات شیخ حسن درست مصداق عسس مرابگیر است؛ گفته است:**

> این دومیلیارد دلار در اثریک بی احتیاطی در دسترس آمریکائی ها قرار گرفته است و به استناد گزارش گروه کار اضافه کرده است؛ زمانیکه مشخص بود که اوراق خریداری شده ایران در خطر توقیف قرار گرفته است، بانک مرکزی دولت قبل بی احتیاطی کرده و پول اوراق قرضه خود را بیرون نکشیده است. <

این قسمت از اظهارات شیخ حسن سندی است که جمهوری اسلامی میدانسته که دعاوی به محکومیت او به خواست خسارت در میان است و احتمال محکومیت خود را هم میداده و حتم هم داشته که خطر توقیف دارائی ها در میان است که برای فرار از اجرای حکم دست به اقدامات لازم برای فرار از اجرای حکم را نزده است.

در تشبیه همانند آن است که کسی که خود را بدهکار میدانند و در دادگاه محکوم هم شده برای فرار از اجرای حکم قبلا اموالش را بنام دیگری میکند و اگر چنین نکند که جمهوری اسلامی این امر را غفلت دولت قبل میدانند فرصت انجام چنین حقه بازی برای مخفی ساختن مالش را نداشته است.

موقعیت حقوقی قرارداد مودت ایران و آمریکا

عده ای از جمله حقوقدانان دولت روحانی میگویند تحریم های بانکی و اقتصادی ایران از سوی آمریکا با قرارداد مودت سال ۱۹۵۵ منافات دارد؛ آنها به اعتبار اینکه قرارداد مودت مزبور بوسیله قرارداد دیگری فسخ و از اعتبار خارج نشده از نظر حقوقی آنرا زنده و با اعتبار میدانند. نظریه آنها تا آنجا کشیده شده است که به اعتبار همین ادامه اعتبار قرارداد مزبور! مدعی اند تا مین دومیلیارد دلار دارائی های بلوکه شده ایران در آمریکا هم معارض با قرارداد مودت است.

چنین ادعائی ممکن است از سرناچاری و فقدان دلایل ادعا باشد والا تصور نمیکنم هیچ حقوقدانی حاضر باشد به بقای قرارداد مودت بین ایران و آمریکا نظر حقوقی بدهد دلایل این مهم عبارتست از:

**** در ماده ۲۶ کنوانسیون حقوق و معاهدات آمده است؛ > هر معاهده لازم الاجرائی، طرف ها را ملزم میکند و باید توسط آنها با حسن نیت به اجرا درآید.<**

آیا عهدنامه مودت ایران و آمریکا با توجه به رفتار دولت آمریکا با دولت شاهنشاهی ایران که بخشی از اعمال نفرت انگیز آن دولت، در اسناد وزارت خارجه آمریکا فاش شده است رامیتوان حسن نیت نسبت به دولت شاهنشاهی ایران دانست؟ مسلما خیر.

آیا اقدامات جمهوری اسلامی از قبیل گروگان گیری کارمندان سفارت و قطع رابطه سیاسی با آمریکا را میتوان در چارچوب مودت و دوستی بین ایران و آمریکا ارزیابی کرد؟ آیا همه آنها به معنای حسن نیت و روابط مودت آمیز با آمریکا بوده است؟ مسلما خیر.

**** وجود قصد و نیت آمریکا در تهدید شاهنشاه به خروج از کشور آنها با عبارات سبک و دشمنانه که نمونه تمام عیار بند ۴ ماده دوم منشور سازمان ملل متحد است از موارد منطبق با ماده ۲۶ کنوانسیون حقوق و معاهدات بین المللی است که نشانی از حسن نیت در آن دیده نمیشود. قراردادی که فاقد حسن نیت باشد و یا سوء نیت جایگزین حسن نیت گردد اعتبار حقوقی اش از دست میرود.**

نتیجه اینکه

**** قرارداد مزبور به علت دخالت هنجارشکنانه آمریکا در امور ایران خاصه علیه شاهنشاه ایران که مظهر ملیت و هویت و شرافت ملی ایرانیان هستند، قرارداد مزبور قبل از پیروزی شورشیان مذهبی ایران از سوی آمریکا نقض و شکسته شده است.**

**** نظریه اینکه جمهوری اسلامی با اقداماتی مانند گروگان گیری کارمندان سفارت آمریکا، اخراج آمریکاییها، تصرف سفارت - تظاهرات ضد آمریکائی نشان داد که نسبت به قرارداد مودت ۱۹۵۵ حسن نیتی که لازمه ادامه مشروعیت قرارداد است ندارد لذا قرارداد مزبور از سوی جمهوری اسلامی هم نقض شده تلقی میگردد.**

دلایل حقوقی بایان قرارداد مزبور

قراردادهای بین کشورها همانند قراردادهای مدنی گاه فسخ آن بطور مستقیم است و گاه بطور ضمنی.

مقصود از فسخ ضمنی اقداماتی است که با ادامه قرارداد منافات دارد، از جمله اقدامات مزبور میتوان موارد زیر را نام برد.

****** یک طرف قرارداد به عملی در منافات با قرارداد، مبادرت میکند و طرف مقابل اعتراضی نمینماید و خودش هم به عمل متقابل دیگری که ناقض قرارداد است اقدام میکند، این عمل نوعی فسخ ضمنی است.

زیرا که اگر یک طرف قرارداد به ادامه آن مقید بود از عدم انجام قرارداد از طرف دیگر قرارداد به دیوان دادگستری لاهه رجوع میکرد.

در مورد قرارداد مودت ایران و آمریکا نه تنها آمریکا ویا جمهوری اسلامی هریک متقابلا از انجام و رعایت قرارداد امتناع نموده اند و رفتارشان کاملا متناقض با مرام وهدف از قرارداد بوده بلکه ۳۶ سال هم هست که بهمان روال ادامه داده و هیچیک به دادگاه لاهه رجوع نکرده اند.^۱

****** جریان اوضاع و احوال جمهوری اسلامی نشان میدهد حتی در تمام ۳۵ سال گذشته اگر کسی نامی از قرارداد مودت ایران و آمریکا بر زبان میراند با گرفتاری های سخت از ناحیه جمهوری اسلامی روبرو میشد. اکنون چون جمهوری اسلامی با استیصال مواجه است به آن قرارداد تمسک یافته است.

****** مورد دیگر جنگ بین کشورهاست. دکترین حاکم بر این مورد (دکترین بریان کلوک) است که جنگ را یک پدیده ضد حقوق بین کشورهای متخاصم میداند.

در منشور سازمان ملل متحد هم ماده دوم، کشورهای عضو متعهد شده اند که در روابط بین المللی خود از تهدید به زور یا استعمال آن علیه تمامیت ارضی ویا استقلال سیاسی هر کشوری یا از هر روش دیگری که با مقاصد ملل متحد مابینت دارد خودداری کنند (توضیح اینکه در منشور سازمان بجای توسل به جنگ از عبارت تهدید به زور یا استعمال آن استفاده شده است).

بنابراین روابط خصمانه و دشمنی بین آمریکا و جمهوری اسلامی و تهدیدات متقابل و فشار و زور از مواردی است که نمیتواند به ادامه حیات حقوقی قرارداد مزبور نظر داد.

در همین اظهارات ماه رمضان سید علی در همه جا از آمریکا بنام دشمن آشکار خاص یاد شده و آمریکا متهم است که برای نابودی قدرت اقتصادی و حتی موجودیت جمهوری اسلامی در تلاش است. او در همان سخنرانی اش دشمن را چنین تعریف کرده است >دشمن عبارت از شبکه استکبار که در راس آن آمریکا و

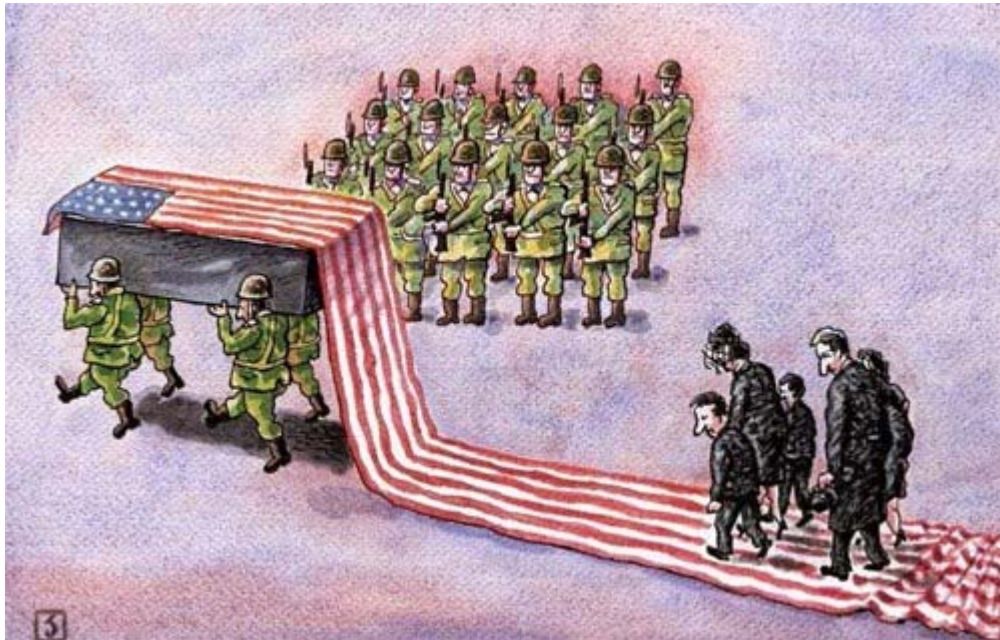
۱ - در پی جلسه مهمی که با حضور سران ارتش، نخست وزیر، وزیران دربار، خارجه، دفاع، فرهنگ و هنر، آموزش عالی، علیاحضرت شهبانو و... به عنوان جلسه وصیت سیاسی شاهنشاه شناخته میشود نه تنها صورت جلسه بلکه در پی آن صورت خلاصه شده ای از قرارداد مودت آمریکا و ایران دوران شاهنشاهی (۱۹۵۵) با یادداشتی به سفیران دولت شاهنشاهی در، فرانسه، انگلستان، آمریکا و شوروی (روسیه امروز) فرستاده شد و وزارت دربار درخواست کرده بود در موقعیت مناسب با توجه به مفاد آن قرارداد موضوع به سفیر آمریکا یاد آوری گردد. انگار شاهنشاه از پیش به موضوع خلف وعده آمریکایی ها اشراف داشته اند که موضوع با سفیران شاهنشاه آریامهر در میان گذاشته شده بود. شوربختانه در هنگامه شورش و اقدامات دشمنانه و خلف وعده های آمریکا هیچ مقامی نه در درون ایران و نه در نمایندگی های دولتی شاهنشاهی در بیرون از ایران به موضوع توجه نکرده است. برخی از سفیران حتا شاید از آن دستور العمل نا آگاه بوده اند زیرا سند بکلی سری بوده و تنها کسانی به آن دسترسی داشته اند که مسئولیت پایگانی سری را به عهده داشته اند ووظیفه آنان بوده است تا پس از آمدن سفیر تاره موضوع با سفیر شاهنشاه در میان گذاشته شود. اگر هم برخی از سفیران آگاه بوده اند مانند پرویز راجی که در لندن سفیر بود تمایلی به استفاده از آن نداشته است.

اسرائیل است. سید علی در همان سخنرانی گفته ای دارد که آب پاکی روی دست کسانی که فکر میکنند با تلاشهای دیپلماتیکی میتوانند به قرارداد مودت ایران و آمریکا نیمه جانی بدهند ریخته است میگوید:

>یک تعبیر غلط این است که مامیتوانیم مشکلاتمان را با آمریکا حل کنیم و با آمریکا کنار بیاییم در حالیکه این تصور نادرست و بیشترین توهم است.<

این اظهار سید علی قضیه را منطبق میکند با ماده ۲۶ کنوانسیون معاهدات بین المللی که میگوید طرفهای هر قراردادی ملزم به حسن نیت در اجرای قراردادها باشند. یعنی سید علی حسن نیت بین جمهوری اسلامی و آمریکا را غیر ممکن و توهم میدانند.

اینها در کنار اظهارات مسئولین کشور خاصه سپاه پاسداران در تهدید آمریکا و آمادگی جمهوری اسلامی به جنگ آنها در حد استقبال از جنگ و طرح بستن تنگه هرمز و امثال آنها مطالبی است که بهیچ دادگاهی امکان قبول تداوم حیات حقوقی قرارداد مودت ایران و آمریکا را نمیدهد.



تغییر اوضاع و احوال

****** علاوه بر جنگ و خصومت بین کشورها یکی از موارد مشخصی که به عمر قراردادها پایان میدهد تغییر اوضاع و احوال زمان تنظیم قرارداد است که در حقوق بین الملل به اصل <ربوس> معروف شده و آن این است که اگر اوضاع و احوال یکی از کشورهای طرف قرارداد تغییر اساسی کند یکی از طرفین قرارداد میتواند آن قرارداد را پایان یافته بداند.

۱- نمونه ای که میتوان ارائه داد لغو قرارداد ۱۹۲۱ بین ایران و شوروی بود که بمناسبت تغییراتی که در حکومت سوسیالیستی نو بنیاد شوروی بوجود آمده بود؛ ایران مواد ۵ و ۶ قرارداد مزبور را مشمول اصل ربوس دانست.

۲- مورد دوم قرارداد ۱۳۱۶ بین ایران و عراق بود که دولت ایران با استفاده از اصل ربوس و استدلال اینکه قرارداد مزبور در زمان استعماری دولت انگلیس بر عراق تنظیم شده بود اکنون آن اوضاع و احوال تغییر کرده است دولت ایران به استناد اصل ربوس آن قرارداد را فسخ نمود.

۳- مورد دیگر - در اختلاف بین انگلستان و جمهوری فدرال آلمان در مورد شیلات ایسلند؛ دادگاه با استدلال اینکه تغییر اوضاع و احوال باید مهم و محدودیت هائی در مورد تعهداتی که باید انجام شود ایجاد کند.

۴- مورد دیگر - اهمیت تغییر اوضاع و احوال در بی اعتبار شدن قراردادهای در بند اول ماده ۶۲ کنوانسیون وین (۱۹۶۹) ذکر شده و مورد عمل کشورهای جهان میباشد.

آیا تحولات ایران پادشاهی با شورش ۵۷، جمهوری اسلامی و آمریکا را در موقعیتی قرار نداده است که نتوانند به روابط مودت آمیز قرارداد بین ایران پادشاهی و آمریکا ادامه دهند؟

۳۵ سال مرگ بر آمریکا و آتش زدن پرچم آمریکا و گروگان گیری کارمندان سفارت و انفجارهای لبنان و غیره و ادامه آن بدون توقف و لحظه ای اندیشمندی؛ آیا میتوان گفت که قرارداد مودت همچنان بین جمهوری اسلامی و آمریکا برقرار است؟؟ تصور نمیکنم کسی جرات این ادعا را داشته باشد.

وانگی مگریادمان- رفته که اولین دولت جمهوری اسلامی تمام قراردادهای بین آمریکا و دولت شاهنشاهی ایران را ملغی شده اعلام کرد.